

پدیدارشناسی دولت الکاظمی و مسائل عراق

تورج افشون¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و یکم، شماره 3، پیاپی 83، پاییز 1399؛ صفحات 172-143

تاریخ پذیرش نهایی: 1399/10/15

تاریخ دریافت: 1399/09/30

چکیده

مجموع کنش‌ها و اقدامات دولت الکاظمی و چینش برخی افراد و شخصیت‌ها، ایجاد تغییر ساختاری، «ایجاد گفتمان خاص»، همگی وزنه معادلات قبلی عراق را تا حد زیادی تغییر داده و از این‌رو، توجه به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کنونی از ابعاد سطح، اندازه، کیفیت و کمیت ضرورت دارد. اگرچه طبق نظر برخی کارشناسان، دولت الکاظمی در روندی طبیعی در صدد ایجاد موازنه در سیاست خارجی میان کشورهای مؤثر در صحنه عراق بوده و قصد ندارد موجی علیه منافع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت ایجاد کند، اما با توجه به فشار آمریکا مبنی بر «تضعیف و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در صحنه عراق» نمی‌توان با خوش‌بینی به روند کنونی نگاه کرد. نکته اساسی این است که الکاظمی یا هر فرد دیگری به‌عنوان نخست‌وزیر و سیاستمدار عراقی نمی‌تواند تمایل مردم عراق به جمهوری اسلامی ایران را نادیده بگیرد کما اینکه نمی‌تواند در تأثیرات آمریکا در مسایل مختلف عراق غفلت کند. بنابراین، سعی دارد به ایجاد موازنه بین این دو در عراق بپردازد.

واژگان کلیدی

دولت کاظمی، ایران، آمریکا، مقاومت، منافع جمهوری اسلامی ایران

۱. دکترای علوم سیاسی، کارشناس مسایل عراق در مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

برای پاسخ به پرسش‌هایی مانند اینکه، نگاه جمهوری اسلامی ایران به دولت الکاظمی چگونه باید باشد؟ آیا روی کار آمدن الکاظمی به مثابه یک پروسه در نظر گرفته می‌شود یا یک پروژه؟ آیا پروژه بودن دولت الکاظمی به معنای آن است که گفتمانی در حال ترویج بوده که در نهایت جریان اسلام‌گرایی را به حاشیه می‌راند؟ آیا جامعه عراق به این درک رسیده که چنین فردی را برای نخست‌وزیری انتخاب کرده یا اینکه جامعه عراق به این درک رسانده شده است؟ به عبارت بهتر، در واقع، آیا این وضعیت بر جامعه عراق تحمیل شده است؟ ضرورت دارد که در ابتدا عملکرد و مواضع الکاظمی در حوزه‌های گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

برخی روی کار آمدن مصطفی الکاظمی و دولت وی را در قالب پروژه ارزیابی می‌کنند و از این رو، عملکرد وی طی چند ماه گذشته را نشان‌دهنده این وضعیت می‌دانند؛ عملکردی که از نظر آن‌ها در نهایت در راستای خوش‌خدمتی به آمریکاست و بر این باورند که نحوه چینش ساختار سیاسی، نظامی و امنیتی عراق، نحوه مواجهه با نیروهای مقاومت به‌ویژه در بحث گذرگاه‌های مرزی (اقدام در مرزهای مشترک با جمهوری اسلامی ایران و عدم توجه به برخی گذرگاه‌ها به‌ویژه در مرزهای غربی و جنوبی مانند القائم، جریشان و...)، نحوه مواجهه با مسائل میدانی و تظاهرات‌کنندگان عراقی، چیدمان پازل گفتمانی خود در صحنه عراق و به حاشیه بردن مسئولان محلی غیر همسو با خود به‌ویژه در ذی‌قار و برخی مناطق دیگر بر این اساس صورت گرفته است.

در این چارچوب می‌توان گفت که اگرچه روی کار آمدن الکاظمی نتیجه انشقاق ایجادشده در درون شیعه از زمان العبادی است؛ اما پیشینه روی کار آمدن الکاظمی را باید از دوران به قدرت رسیدن «حیدر العبادی» جست‌وجو کرد که تمایل به غرب بر این فضا حاکم، ورود دوباره آمریکا به عراق بنام مبارزه با داعش، موارد متعددی از برخورد آمریکا با جریان‌ات حشد شعبی و همکاری نیروهای آمریکایی با جریان داعش^۱ در دوره العبادی صورت گرفت. [البته او این توضیحات را نمی‌پذیرفت] در جلسه‌ای که با حضور فرماندهان

۱. اطلاعات مربوط به این همکاری‌ها به‌طور دقیق وجود دارد، از جمله بارریزی‌های هواپیماهای آمریکایی برای داعش. (منبع: کارشناس مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور، عملکرد الکاظمی و نحوه مواجهه وی با تحولات عراق، مصاحبه کارگروه عراق، ۱۳۹۹/۶/۱۰)

حشد شعبی و جریان مقاومت که نیروهای ایرانی نیز به عنوان مستشار در آن شرکت داشتند برگزار شد، برخی از فرماندهان حشد شعبی به العبادی تذکر دادند که نیروهای آمریکایی در حال کمک به داعش هستند و مستندات خود را نیز ارائه دادند، اما العبادی به صراحت این موضوع را رد کرد. (اندیشه سازان نور، ۱۳۹۹)

بنابراین، با رویکرد یادشده و نگاه پروژه محور به روی کار آمدن دولت الکاظمی، نه دولت الکاظمی و نه طرف آمریکایی، در موضوع رعایت منافع و موضوعاتی نظیر خروج نیروهای آمریکایی از این کشور جدی عمل نخواهند کرد. و رصد تحرکات ایران از سوی آمریکا با توجه به جایگاه جمهوری اسلامی در میان مردم عراق صورت می گیرد.

مقامات آمریکا از ابتدا اعلام کردند که اجازه نمی دهند دوستان ایران از جمله جریان بدر و مجلس اعلی وارد عرصه شوند. در واقع، سیاست اصلی آمریکا قطع کردن نفوذ ایران در عراق است. آمریکا از سال ۱۹۹۱ مردم عراق را به مدت ۱۳ سال تحت ستم نگه داشته تا تغییرات مورد علاقه ایران در این کشور صورت نگیرد یا حکومتی متمایل به ایران روی کار نیاید.^۱ مردم عراق طی این ۱۳ سال بواسطه تحریم های اقتصادی با رنج و ستم هایی مواجه شدند که مشابه آن را در هیچ زمانی تجربه نکردند. بنابراین، ریشه اتفاقات اخیر عراق به سال های گذشته برمی گردد. (اندیشه سازان نور، ۱۳۹۹)

مجموعه عملکرد دولت الکاظمی در زمینه چیش مجدد شخصیت های همسو در ساختار نظامی - امنیتی و روی کار آوردن برخی شخصیت ها مانند عبدالوهاب الساعدی،^۲ عبدالغنی الاسدی،^۳ قاسم الاعرجی، به علاوه برخی اقدامات وی در راستای تقابل با جریان های مقاومت به ویژه کتائب حزب الله و همچنین گزینش برخی افراد و شخصیت های شناخته شده و بدنام نظیر احمد ملاطلال به عنوان سخنگوی دولت و بر سر کار گماردن برخی رهبران و شخصیت های کلیدی در صحنه تظاهرات های پاییز و زمستان ۱۳۹۸، در مجموع نشان می دهد که مصطفی الکاظمی در صدد ایجاد برخی تغییرات در ساختار عراق کنونی است که ظاهراً معادله قدرت و توازن سیاسی را به سود طرف آمریکایی سنگین تر می سازد.

۱. بنا به ادعان برخی کارشناسان، علت عدم تمایل به سقوط صدام پس از انتفاضه شعبانیه از سوی آمریکا، نگرانی از نفوذ ایران و عدم جایگزین مناسب برای صدام بوده است.

۲. اگرچه عبدالوهاب الساعدی در طول عملیات آزادسازی موصل در کنار گروه های حشد شعبی نقش مکمل داشته با گاهی با این گروه ها همکاری می کرد، اما از وی به عنوان عنصر آمریکایی و همسو با سیاست های آمریکا یاد می شود.

۳. عبدالغنی الاسدی در دستگاه مبارزه با تروریسم فعالیت می کرد و هم ردیف عبدالوهاب الساعدی بود.

علاوه بر سطوح عالی مدیریتی که اشاره شد، در سطوح پایین تر یعنی مدیران کل در استان ها، مدیرکل امنیت ملی و مدیرکل دستگاه مبارزه با تروریسم در استان های شیعه نشین و استان هایی که جریان های مقاومت در آنجا نقش داشته (مانند بصره، واسط و میسان) و فعالان درجه یک این استان ها به شمار می روند، در سطوح میانی و پایین هم چنین تغییرات و عزل و نصب هایی صورت گرفته است. افراد همسو با جریان مقاومت در این استان ها از سوی الکاظمی کنار گذاشته شده و افراد همسو با خط آمریکا در پوشش جریان ملی گرایی به کار گماشته شدند. این روند عامل کندکننده یا محدودکننده گروه های مقاومت در آینده خواهد بود و الکاظمی با این نگاه دست به چنین تغییراتی زده است. (اندیشه سازان نور، ۱۳۹۹)

در عین حال، برخلاف آنچه الکاظمی در هنگام ارائه بودجه ۲۰۲۱ چندان هم به سیاست های العبادی در محدودسازی حشد شعبی پایبند نبوده است. افزایش پست های نیروهای حشد شعبی از ۱۲۰ هزار نفر به ۱۴۵ هزار نفر، از این جمله است. این نشان می دهد اگر سیاست کاظمی مبتنی بر برخورد با حشد شعبی و محدودسازی آن هم باشد ناگزیر است این کار را نیز با ظرافت و دقت بیشتری انجام دهد تا واکنش و عکس العمل حشد شعبی را در پی نداشته باشد. (اندیشه سازان نور، ۱۳۹۹)

ارزیابی عملکرد الکاظمی در چارچوب پروژه

عملکرد چند ماه گذشته دولت الکاظمی از زمان روی کار آمدن وی در اواخر فروردین ۱۳۹۹، نشان می دهد که وزنه سنگین اقدامات وی به سمت آمریکایی ها متمایل است. چنین برخی افراد و شخصیت های همسو با خود در حلقه های نظامی - امنیتی و برخی اقدامات وی در راستای انحصار سلاح در اختیار دولت یا مبارزه با فساد، کنترل و نظارت بر برخی گذرگاه های مرزی و گمرکات، به علاوه نحوه مواجهه با مطالبات آمریکا در تنبیه گروه های مقاومت در این راستا قابل بیان است.

برجسب زنی و اتهامات تلویحی در برخی مسائل نظامی - امنیتی و تغییر برخی چهره های نظامی - امنیتی، حاکی از عزم دولت الکاظمی برای تغییر ساختاری جدید است که ارزیابی کلی آن در نهایت به سود محور مقاومت نخواهد بود. با توجه به ویژگی شخصیتی و گرایش های سکولار - لیبرال الکاظمی و همچنین دیدگاه های گذشته وی در برخی رسانه ها و محافل سیاسی، برخی آغاز دولت الکاظمی در عراق را همزمان با پایان یافتن دوره دولت های منتسب به

جریان‌های اسلام‌گرا ارزیابی می‌کنند. در همین راستا، برخی مقامات آمریکایی به‌ویژه «ژنرال مکنزی»، فرمانده سنت‌کام نیز به‌شدت از عملکرد و اقدامات الکاظمی حمایت و دفاع کرده و از منظر ایجاد محدودیت برای ایران به موضوع نگاه می‌کنند.

البته برخی دیگر از کارشناسان با دیدگاهی مخالف به این قضیه نگاه کرده و بر این باورند که اصولاً مقامات آمریکا با این ساخت و فرآیند که از درون آن کسی به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شود، مخالف هستند، نه اینکه لزوماً الکاظمی یا کسی دیگر بر سر کار باشد. اگر آن فرد مورد نظر دارای ویژگی‌های خاص مانند اسلام‌گرای نزدیک به ایران و محور مقاومت باشد، مخالفت بیشتر نیروها و مقامات آمریکا را با خود همراه دارد و اگر آن فرد مورد نظر با چارچوب و استانداردهای جمهوری اسلامی ایران فاصله داشته باشد با مخالفت کمتر آمریکا مواجه می‌شود. به‌عنوان مثال، مقامات آمریکا با حضور العبادی مخالفت کمتری داشته و همچنین مخالفت کمتری نسبت به حضور الکاظمی در قدرت دارند، اما اساس هدفمندی آمریکا در برهم زدن چارچوب این ساختار و فرآیند انتخاب نخست‌وزیر در عراق است که احزاب شیعه از طریق آن حاکم می‌شوند.

در واقع، احزاب شیعه در این چارچوب اکثریت را در اختیار دارند و باید دید که چه کسی از میان این اکثریت برای پست نخست‌وزیری انتخاب می‌شود. هدف آمریکا برهم زدن ساختار اکثریت در عراق است. بعضی معتقدند مسامحه ایران به روی کار آمدن الکاظمی منجر شد. کنار رفتن عبدالمهدی به خواست مردم، مرجعیت و سایر نیروهای مؤثر بوده است، اما البته برای آن صورت نگرفت که لزوماً الکاظمی روی کار بیاید.

جمهوری اسلامی ایران از زمان استعفای عادل عبدالمهدی تا زمان روی کار آمدن الکاظمی اصرار داشت که فرایند انتخاب نخست‌وزیر جدید در فراگرد عراقی و بدون مداخله صورت گیرد. بنابراین، نمی‌توان گفت تسامح ایران به قدرت رسیدن الکاظمی را در پی داشته است. بنابراین، روی کار آمدن الکاظمی حاصل یک پروژه نبوده است. مقامات آمریکا نیز لزوماً با عادل عبدالمهدی یا مصطفی الکاظمی کاری ندارند، بلکه مشکل آنها با نوع چینش و آرایش سیاسی احزاب شیعه عراق بوده و به دنبال برهم زدن این ساختار هستند تا از درون آن جریان‌ها و افرادی همسو با ایران روی کار نیایند. (نوریان، ۱۳۹۹: ۳۵)

به طور کلی، چالش های اساسی دولت الکاظمی که عملکرد وی را نیز تحت الشعاع قرار می دهد، عبارتند از: ۱. وضعیت اقتصادی ۲. مطالبات اجتماعی مردم مانند شناسایی قاتلان معترضان و استقرار ثبات و نظم، ۳. انتخابات؛ اکنون قانون انتخابات به چالش وی تبدیل است. ۴. حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق.

به طور کلی، نحوه تعامل یا مواجهه دولت الکاظمی با مسائل عراق را می توان در دو بخش کلان به تصویر کشید. البته این تقسیم بندی به مفهوم جدایی کامل این دو بخش از همدیگر نبوده و صرفاً با هدف چارچوب مند کردن بحث و فهم آسان تر موضوع صورت گرفته است.

استمرار حرکت معترضین

الکاظمی در ارتباط با حرکت های اعتراضی در عراق برخی اقدامات نمادین را انجام داد. وی از ظرفیت برخی شخصیت ها و چهره های فعال اعتراضات برای فرونشاندن آتش شعله ور ایجاد شده در جامعه عراق، استفاده کرد. همچنین او به عبارتی سیاست اعلامی و نوعی فرافکنی را برای سرپوش گذاشتن بر ناکامی خود در حوزه های دیگر به ویژه در زمینه بحران شیوع بیماری کرونا به کار گرفت. انجام سخنرانی های حماسی به ویژه در بصره و برنامه ریزی برای برخی دیدارها از جمله دیگر برنامه های نمادین او در این مدت بود. در واقع، الکاظمی در دوقطبی سازی جامعه عراق بسیار موفق عمل کرده است. او توانست اکثریتی از جامعه را با کنش های خود همراه ساخته و دیگران را به حاشیه براند. (اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۵) نکته مهم آن است که در وضعیت کنونی حتی تقابل با عملکرد و برخی اقدامات الکاظمی از سوی جریان های همسو با مقاومت، به دوقطبی سازی در جامعه عراق دامن زده و افکار عمومی جامعه عراق را به موضع گیری به سود استمرار اقدامات الکاظمی سوق می دهد.

در مورد معترضان و تظاهرات کنندگان نیز باید گفت الکاظمی در جایی به این نکته اشاره کرده که «ما حاصل اعتراضات معترضان هستیم»؛ در واقع، معترضان الکاظمی را روی کار آوردند. از آنجایی که معترضان از گروه ها و گرایش های مختلفی بوده و یکدست و منسجم نیستند، وی از این بابت نگرانی ندارد که آماج انتقادات و پاسخ گویی به آنها قرار گیرد. هرچند اکنون معترضان به دلیل شیوع بیماری کرونا در خیابان ها حضور پررنگی ندارند و انسجام موجود میان آنها از بین رفته است. بعلاوه، بسیاری از معترضان و رهبران آنها از

جمله کسانی هستند که با الکاظمی ارتباط بوده و وی می‌تواند در پشت پرده قضایا را به نفع خود پیش ببرد. بنابراین، در حال حاضر معترضان مانند احزاب چالشی جدی برای الکاظمی به شمار نمی‌روند. (نوریان، ۱۳۹۹: ۳۸)

اقدام دیگر الکاظمی در مورد انتخاب تیم مشاوره در حوزه رسانه و دفتر وی است. مشفق عباس، قاسم داوود، احمد ملاطلال، کاظم سهلانی (وی در آتش‌زدن کنسولگری بصره و تظاهرات در این شهر نقش مستقیم و مخرب داشته و اکنون به‌عنوان یکی از مشاوران الکاظمی ایفای نقش می‌کند)، و برخی رهبران فضای مجازی که در ایجاد هجمه علیه دولت عادل عبدالمهدی و سرنگونی دولت وی و ایجاد آشوب‌ها نقش داشتند، امروز به‌عنوان حلقه مشاوران درونی الکاظمی مشغول به کار شدند. بیشتر این مشاوران دارای گرایش‌های لیبرال و سکولار بوده و اعتقادی به گروه‌های مقاومت و مقاومت ملی نداشته و حتی در راستای تضعیف این گروه‌ها فعالیت می‌کنند. در تظاهرات بصره و ناصریه هم سرپنجه‌های تیم رسانه‌ای مصطفی الکاظمی کاملاً مشهود و قابل لمس است، به‌ویژه در استان بصره. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۱۹)

در این راستا باید تأکید کرد که در حال حاضر، دولت فعلی در نتیجه اختلافات عمیق طیف شیعه روی کار آمده و در واقع به معنای عبور از دولت‌های اسلام‌گرا به دولت سکولار در عراق می‌باشد؛ به عبارت بهتر، در نتیجه انسداد سیاسی، پس از کش و قوس‌های فراوان، جریان‌های شیعه مجبور شدند به الکاظمی رأی دهند. روند شکل‌گیری دولت الکاظمی نشان می‌دهد که از حدود هفت یا هشت ماه پیش تغییراتی اساسی در صحنه سیاسی - نظامی عراق در حد «شبه انقلاب» آغاز شده که تبعات و پیامدهایی را نیز برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است. البته به نظر می‌رسد این تحولات در این نقطه متوقف نخواهد شد و به‌نوعی تداوم خواهد یافت.

تعامل با احزاب و طیف‌ها

مصطفی الکاظمی در ارتباط با احزاب نوعی توازن در صحنه داخلی ایجاد کرده است. وی از ظرفیت احزاب و وزن آنها شناخت درست و دقیقی دارد. بنابراین، الکاظمی با ایجاد توازن میان احزاب با مشکل چندانی در ارتباط با آنها روبرو نخواهد شد. (اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۹)

مصطفی الکاظمی در ارتباط با احزاب دو پروژه طراحی کرده است: ۱. انتخابات پیش از



موعد؛ همگان می‌دانند که باید مدعی برگزاری انتخابات زودهنگام باشند و معترضان خیابان‌ها و مرجعیت نیز بر آن تأکید دارند، در حالی که برگزاری انتخابات یک امر صوری و تبلیغاتی بوده که بر سر زبان‌هاست. ۲. مشارکت احزاب در قدرت؛ امتیازات و سهم‌های لازم در این میان رد و بدل شده و سایر موضوعات بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. گفتنی است که الکاظمی دست‌کم تا یک سال دیگر با مشکلی به نام احزاب سیاسی معارضة یا غیر معارضة در روند سیاسی و حکومتی خود مواجه نیست. موضوع احزاب در اینجا برای وی بسیار کم‌رنگ و کم‌ارزش می‌باشد. (نوریان، ۱۳۹۹: ۲۵)

به نظر نمی‌رسد که الکاظمی به دنبال آن باشد تا با احزاب دچار تنش شود، زیرا اجرای قانون انتخابات به‌خودی خود از میزان تأثیرگذاری احزاب می‌کاهد. با این حال، نگاه الکاظمی معطوف به پارلمان آینده با توجه به ترکیب آن است. از این‌رو، طرّحی در حال شکل‌گیری بوده و قرار است در پارلمان آینده بخشی از اهل سنت، شیعیان و کردهای خارج از مدار احزاب در قالب حزبی که الکاظمی در پی تشکیل آن است قرار گیرند. در واقع، تعدادی از کردهای خارج از سه حزب اصلی (اتحادیه میهنی، دمکرات و گوران)، احزاب شیعه و اسلامی مستقل و طیف‌های اهل سنت - که با کشورهای عربی در ارتباط هستند - در چارچوب حزبی که از سوی الکاظمی تشکیل می‌شود قرار می‌گیرند. می‌توان گفت که با تشکیل این حزب در انتخابات بعدی باز هم الکاظمی متصدی پست نخست‌وزیری خواهد بود. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۱۹) در این مسیر جریان تحت رهبری سید عمار حکیم تا کنون به الکاظمی کمک‌های فراوانی ارائه کرده است.

چالش‌های اقتصادی

موضوع معیشت (کار، اشتغال و درآمد عمومی جامعه) و رفاه مردم (آب، برق، گاز، فاضلاب و بهداشت) دو بحث جداگانه است. الکاظمی در زمینه معیشت تلاش می‌کند تا حقوق کارمندان و کارکنان دولت را با تکیه بر استقراض داخلی و خارجی پرداخت کند. در حوزه رفاه نیز دولت وی با معضل اساسی تأمین برق مواجه است. این معضل به مردم، احزاب، همسایگان (ایران، عربستان و...) و عرصه بین‌الملل (آمریکا) مرتبط بوده و مدیریت تأمین برق به‌عنوان یکی از ارکان چندوجهی رفاه ملت عراق برای الکاظمی بسیار دشوار است. از این‌رو، وی به سختی تلاش می‌کند تا چاره‌ای برای این وضعیت بیندیشد.

به نظر می‌رسد راه حل ضروری برای تأمین برق عراق، از دیدگاه دولت الکاظمی در خارج از این کشور است؛ از این لحاظ که باید سرمایه‌گذاری خارجی لازم برای ساخت نیروگاه تأمین شود و همچنین تأمین برق آن که باید از سوی ایران یا عربستان صورت گیرد. اگرچه الکاظمی در راه حل خارجی تأمین برق نیز با چالش‌ها و دشواری‌هایی روبرو می‌باشد؛ اما در این زمینه نیز انتخاب رویکرد خارجی از منظر الکاظمی اهمیت بسیاری دارد. (نوریان، ۱۳۹۹: ۱۸)

قانون بودجه سال ۱۳۹۹ عراق به صورت انقباضی و ریاضتی نوشته شده و از آنجایی که پول نفت به حسابی در آمریکا واریز می‌شود، حکومت مرکزی عراق نیز با توجه به کسری بودجه و بدهی‌های ارزی این کشور (در مجموع ۷۵ تا ۸۰ میلیارد دلار) به سمت استقراض از صندوق بین‌المللی پول حرکت کرده است. صندوق بین‌المللی پول برای اعطای وام به دولت عراق اعلام کرده که باید این دولت سیاست‌های در نظر گرفته شده از سوی این صندوق را اعمال کند. یکی از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول این است که استخدام جدید در عراق صورت نگیرد. تراکم مطالبات برای استخدام از دوران حکومت العبادی آغاز شد و العبادی این سیاست را اجرا کرد. عادل عبدالمهدی نیز وعده استخدام ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر را داده و آنها را استخدام کرد، اما مقامات آمریکا به دولت وی فشار آوردند که اجرای این استخدام‌ها برخلاف سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بوده و از طرفی دیگر با پروپاگاندای رسانه‌ای مردم را به اعتراض و آمدن به خیابان‌ها تشویق و تحریک می‌کردند. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۳۵)

کنترل گذرگاه‌ها؛ تقابل با مقاومت؟

کشور عراق ۱۱ گذرگاه مرزی زمینی، ۶ گذرگاه دریایی و ۳ گذرگاه هوایی دارد که تعداد این گذرگاه‌ها بدون احتساب گذرگاه‌های اقلیم کردستان می‌باشد. در مورد نقش گذرگاه‌ها در حوزه اقتصادی عراق باید به این نکته اشاره کرد که مصطفی الکاظمی چند هدف در این زمینه دارد. گفتنی است که استقراض خارجی و استقراض داخلی دو راه پیش روی دولت عراق برای حل بحران مالی این کشور است. اکنون دولت عراق برای حل مشکلات درآمدی خود بر گذرگاه‌های مرزی متمرکز شده است.

گفته می‌شود که اقدامات الکاظمی در ارتباط با گذرگاه‌ها به نوعی در جهت مبارزه با

فساد انجام می‌شود. سؤال این است که آیا تنها گذرگاه‌ها منبع و منشأ فساد هستند؟ در واقع، به نظر می‌رسد برخی اهداف سیاسی پشت پرده در این اقدام الکاظمی صرف نظر از اهداف اقتصادی آن تعبیه شده است. گذرگاه‌ها محل تأمین منابع نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران هستند. الکاظمی با هوشمندی کامل در این زمینه دست به اقدام می‌زند. دو بازیگر داخلی شیعه نیز نقش تسهیل‌کننده برای اقدامات الکاظمی در صحنه داخلی عراق دارند: سید عمار حکیم و حیدر العبادی. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۱۸)

همچنین سیاست‌های الکاظمی در زمینه گذرگاه‌ها دارای دو بعد است: ۱. بعد اعلامی نسبت به جامعه عراق؛ مبارزه با فساد یکی از مطالبه‌های اصلی معترضان و مردم عراق است. الکاظمی در کنار بعد درآمدی، مدعی مبارزه با فساد در گذرگاه‌های مرزی است. در واقع، از این زاویه یکی از پایه‌های اصلی فساد در عراق در همین گذرگاه‌های مرزی قابل شناسایی است. ۲. بازگشت هیمنه دولت؛ الکاظمی خود را مدعی مقابله با جریان‌ها و احزابی می‌داند که بر گذرگاه‌های مرزی مسلط شده‌اند. الکاظمی در این مسیر نیز چالش‌هایی پیش روی خود دارد. در واقع، بخشی از گذرگاه‌ها در اختیار دولت قرار ندارد. گذرگاه‌های موجود در اقلیم کردستان عراق مهم‌ترین چالش پیش روی دولت مرکزی عراق می‌باشد که از کنترل دولت خارج است. همچنین گذرگاه‌های حوزه عربی نیز خارج از اختیار دولت قرار دارد. (اندیشه‌سازان، ۱۳۹۹: ۱۰)

در واقعیت امر کمترین چالش حکومت مرکزی عراق در طول دوره‌های گذشته از سال ۱۳۸۲ تا کنون در مرزهای شرقی آن یعنی مرزهای مشترک با جمهوری اسلامی ایران بوده است. همچنانکه حضرت آقا در دیدار با الکاظمی به درستی به این موضوع اشاره فرمودند که «جمهوری اسلامی ایران همسایه قابل اطمینان و امنیت‌بخش برای همسایگان خود به‌ویژه عراق بوده و هست. در عین حال، سایر کشورها در تولید و ایجاد ناامنی نقش داشته‌اند.» اگر قرار است که معابر مرزی تحت کنترل قرار بگیرد، آیا اولویت با مرزهای شرقی است یا مرزهای کویت، عربستان و اردن؟ یا مرزهای سوریه در حسکه که نیروهای آمریکایی در آنجا حضور دارند؟

به‌طور کلی، عراق در مرزهای شرقی خود با کمترین مشکل مواجه بوده است، با این وجود، کاظمی بر مرزهای شرقی این کشور متمرکز شده است. این در حالیست که وزیر امور خارجه سابق عراق صراحتاً به این نکته اشاره کرده که عربستان سعودی نزدیک به ۵



هزار عامل اربابی و انتحاری به داخل عراق اعزام کرده است. در حال حاضر الکاظمی نوعی سکوت نسبت به مرزهای عراق با عربستان در پیش گرفته و توجه خود را به سمت مرزهای شرقی معطوف کرده است.

مرزهای عراق با اردن، سوریه، عربستان و کویت نیز چالش‌های مربوط به خود را دارند. مرز «جریشان» یک مرز غیر رسمی بوده که نیروهای آمریکایی از سال ۱۳۸۲ به این سواز این مرز برای کریدور و حمل و نقل کالاها و امکانات استفاده می‌کردند. سؤال این است که سیادت و حاکمیت عراق بر این مرزها چگونه اعمال می‌شود؟ اکنون تمرکز الکاظمی بر مرزهای شرقی قرار داد و او در سفر خود به استان دیاله صراحتاً دستور داده است که دستگاه مبارزه با تروریسم در مرز مستقر شده و جایگزین پلیس و گذرگاه‌های مرزی شود و به آنها دستور تیراندازی داده است. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۴۵)

برای جمهوری اسلامی ایران این موضوع اهمیت دارد که آیا در زمینه گذرگاه‌های مرزی با اعمال حاکمیت دولت الکاظمی دچار مشکلات اقتصادی و یا چالش‌های امنیتی می‌شود؟ البته ارتباط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با عراق، در بعد رسمی جریان داشته و اعمال حاکمیت دولت الکاظمی بر مرزها از جنبه اقتصادی ضرر جدی به روند اقتصادی و تبادلات جمهوری اسلامی ایران وارد نخواهد کرد. اما نکته مهم این است که از جنبه‌های دیگر، این موضوع می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران چالش‌ساز باشد، به‌ویژه در مرزهای غربی عراق. بخش‌های غربی عراق متعلق به اهل سنت بوده و نیروهای آمریکایی نیز به‌شدت در این بخش‌ها روی اهل سنت کار می‌کنند. (نوریان، ۱۳۹۹: ۳۵)

زمانی که الکاظمی برای مبارزه با فساد سراغ گمرکات می‌رود یا نیروی نظامی یا نیروهای ضد تروریسم را در مرز مستقر می‌کند، باید به این نکته توجه کرد که اگر موضوع مبارزه با فساد از نظر وی در اولویت قرار دارد باید به حدود ۸ تا ۱۰ مرز عراق در منطقه کردی که بیش از ۶۰ درصد تبادلات اقتصادی عراق از طریق این مرزها انجام می‌شود و گمرکات آنها متهم به فساد هستند نیز نظارت و کنترل داشته باشد، در حالی که چنین نظارتی بر این مرزها وجود ندارد.

همچنین اگر تنها موضوع مبارزه با فساد مطرح است باید روی مرزهای مشترک با عربستان و اردن نیز نظارت و اشراف صورت گیرد، در حالی که الکاظمی تنها بر دو مرز سوریه و ایران متمرکز شده است. این اقدام الکاظمی در چارچوب خواسته آمریکا برای



کنترل این دو مرز انجام می‌شود. یک بخش از این اقدام مربوط به جلوگیری از قدرت مالی احزاب است، اما بخش عمده آن به جلوگیری از تردد بین ایران و سوریه مربوط می‌شود. الکاظمی با ظرافت خاصی کار خود را انجام می‌دهد و شیوه کار وی ممکن است بسیاری را در داخل ایران فریب دهد. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۲۸)

به‌طور کلی، نحوه تعامل الکاظمی با جریان‌های منتسب به مقاومت - به‌ویژه آنهایی که همسو با جمهوری اسلامی ایران هستند - مناسب و شایسته نیست. در واقع، نحوه تعامل الکاظمی با جریان‌های مقاومت متفاوت از سایر گروه‌ها و احزاب است. در مورد بازداشت ۱۳ عنصر از نیروهای کتائب باید به این نکته اشاره کرد که الکاظمی طی بیانیه‌ای در این زمینه اعلام کرده که تصورش بر این بود که این نیروها به‌نوعی عنصر تروریستی هستند. بنابراین، این اقدام وی نشان می‌دهد که بازداشت عناصر کتائب توسط الکاظمی و به‌دستور وی انجام شده است. اقدام الکاظمی در این زمینه خطرناک ارزیابی می‌شود؛ اگرچه او پاسخ محکمی از سوی نیروهای کتائب حزب‌الله دریافت کرد و با ایجاد کارناوال و نمایش قدرت در برابر دستگاه مبارزه با تروریسم در منطقه خضراء، الکاظمی مجبور شد نیروهای بازداشت‌شده را آزاد کند. در واقع، نیروهای حشد شعبی و جریان‌های مقاومت برخورد و واکنش بسیار خوبی در این ارتباط از خود نشان دادند. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۳۶)

حوزه خارجی

با توجه به آنچه که گفته شد، به نظر می‌رسد دولت الکاظمی نمی‌تواند دولتی گذرا، موقتی یا انتقالی باشد و به‌نوعی دارای صلاحیت تام و اختیارات کامل برای حل و فصل مسائل و چالش‌های عراق اعم از موضوع مذاکره با آمریکا، مبارزه با فساد، تقابل با جریان‌های وابسته به محور مقاومت است. به نظر می‌رسد دولت الکاظمی علاوه بر حمایت و تأیید از سوی آمریکا، از سوی جامعه بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته و دیدارهای متعدد میان نماینده سازمان ملل و الکاظمی به وضوح بیانگر این موضوع است.

موضوع شایان توجه دیگر، میزان حمایت دولت‌های عربی منطقه از مصطفی الکاظمی در مقایسه با دولت‌های پیشین عراق بوده و توافق برای تأمین بخشی از برق مصرفی عراق از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس (البته تحت فشارهای آمریکا) مصداق بارز این ادعاست. در صحنه داخلی عراق نیز الکاظمی به‌مثابه شخصیتی موازنه‌ساز دارای وجهه‌ای مثبت بوده که با

همه رهبران و رؤسای احزاب و گروه‌های عراقی در راستای ایجاد موازنه دیدار و گفت‌وگو کرده و در صدد بر جای گذاشتن وجهه‌ای مثبت از خود در صحنه سیاسی داخلی است.

الگوی سیاست خارجی

به‌طور کلی، می‌توان گفت که الگوی سیاست خارجی دولت کاظمی نیز با توجه به گرایش‌ات و رویکردهای سیاسی، تداوم‌دهنده سیاست «انفتاح» حیدر العبادی خواهد بود. با توجه به اختلافات ایران و آمریکا، وی ناگزیر است سیاست ایجاد موازنه را دنبال کند؛ موازنه‌ای که بتواند از آن برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. مهم‌تر از همه اینکه بنا به نظر برخی کارشناسان، تأثیرپذیری کاظمی از حیدر العبادی به گسترش روابط با عربستان منجر خواهد شد. با توجه به عملکرد کاظمی در این مدت به نظر می‌رسد که سیاست خارجی وی شامل دو بخش است: ۱. تداوم روابط با آمریکا و برگزاری مذاکرات با این کشور و به تبع آن ایجاد موازنه میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا ۲. سیاست منطقه‌ای کاظمی.

پیگیری سیاست منطقه‌ای کاظمی از زمان بازگشت وی از آمریکا تشدید شده است. در واقع، کاظمی در این مدت در مورد برخی مسائل منطقه‌ای ایده‌هایی ارائه داده و برگزاری مذاکرات سه‌جانبه در اردن و مطرح کردن موضوع «شام جدید» در قالب سیاست‌های منطقه‌ای کاظمی قابل ارزیابی است.^۱

در دیدگاهی خوش‌بینانه، کاظمی در موضع دولتی - رسمی مخالفت با رژیم صهیونیستی را پیگیری می‌کند^۲، اما در مورد رابطه دو کشور (امارات و بحرین با این رژیم) اظهار نظری نداشته و آن را جزئی از امور داخلی آن کشورها می‌داند که به عراق ارتباطی ندارد. این سخن کاظمی که «رابطه بین امارات و رژیم صهیونیستی به ما ارتباطی ندارد و در مسائل داخلی کشورهای دیگر دخالت نمی‌کنیم»، چهره دیگر کاظمی را نشان می‌دهد. کاظمی به دنبال آن نیست که حساسیت منفی نسبت به خود ایجاد کرده و خود را در محوربندی‌های موجود در سطح منطقه قرار نمی‌دهد. مخالفان و موافقان روابط امارات (به‌علاوه بحرین) با رژیم صهیونیستی دو محور موجود را تشکیل می‌دهند. بنابراین، کاظمی با توجه به گفتمان خود، موضع رسمی‌اش را در

۱. همچنین دو نشست دیگر از این نشست‌ها برگزار شده که تا کنون چنین مباحثی در آن طرح نشده بود، اما موضوع «شام جدید بدون سوریه» مفهوم خاصی دارد که در امتداد روابط امارات و رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد.
۲. اخیراً سید عمار حکیم نیز سیاست عادی‌سازی عراق با رژیم صهیونیستی را رد کرده است.



ارتباط با رژیم صهیونیستی بیان می‌کند. (نوریان، ۱۳۹۹: ۲۵)

در ادامه، برای کالبدشکافی سیاست خارجی دولت کاظمی و با توجه به تأثیر آن بر عملکرد و قدرت اضلاع محور مقاومت، پرداختن به دو موضوع مهم نحوه تعامل با آمریکا و ایران، ضروری به نظر می‌رسد.

الف) آمریکا: تاکنون نوع ارتباط کاظمی با آمریکا قطعاً خصمانه نبوده است. کاظمی تا قبل از نخست‌وزیری با همه کشورها و بازیگران کار کرده و با آمریکا و جمهوری اسلامی ایران همکاری‌های بسیاری داشته است، اما آنچه که اکنون چالش‌زاست، کمیت و کیفیت اجرای مصوبه خروج نیروهای آمریکا از عراق است. البته ممکن است کاظمی و جریان مقاومت هر کدام روش‌های متفاوتی برای حل این معضل داشته باشند و همچنین تفاوت‌هایی میان رویکردهای آنها در مورد نیروهای آمریکایی وجود دارد. در واقع، موضوع چالش‌برانگیز میان آنها بر سر حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق است، که تا کنون لاینحل باقی مانده است.

اگر کاظمی بتواند در یک فرآیند زمانی مناسب با حداقل تلفات سیاسی - نظامی این موضوع را حل کند، چالش بزرگ وی با گروه‌های مقاومت، حشد شعبی و جریان‌های سیاسی و نظامی کمتر می‌شود. موضوع حضور نظامیان آمریکایی در عراق به هر دلیلی مهم‌ترین محور برای دولت کاظمی است. (نوریان، ۱۳۹۹: ۲۵) در واقع، حضور نیروهای نظامی آمریکا در ورود کاظمی به عرصه سیاسی تأثیرگذار بوده و همچنین در استمرار دولت وی تأثیرگذار است. زمانی کاظمی روی کار آمد که موضوع حضور نیروهای نظامی آمریکا یکی از مهم‌ترین موضوعات فضای سیاسی عراق محسوب می‌شد. کسانی که با حضور نظامی آمریکا در عراق مخالف بودند و به سمت نیروهای آمریکایی موشک‌پرانی می‌کردند از مخالفان اصلی حضور کاظمی بودند؛ زیرا آنها کاظمی را وابسته به آمریکا می‌دانستند. بنابراین، حضور کاظمی بر سر قدرت با مانع و چالشی به نام مخالفان حضور نظامی آمریکا در عراق روبرو است.

اقدامات موشکی و... مخالفان حضور نیروهای آمریکایی فضای امنیتی را بر عراق حاکم کرد. حضور نظامیان آمریکایی و عکس‌العمل جریان‌های سیاسی و نظامی عراقی بر روی کار آمدن و استمرار دولت وی تأثیرگذار است. از این رو، وضعیت امنیتی و نظامی برای دولت کاظمی و شخص وی اهمیت دارد. کاظمی هم در مقابل آمریکا و هم در مقابل

حشد شعبی و جریان‌های مقاومت مسئولیت مستقیم دارد. بر این اساس، الکاظمی در موضوع نظامی - امنیتی حضور نظامیان آمریکا در عراق با دو عنصر خارجی و داخلی مواجه است. وی می‌خواهد کار سیاسی انجام دهد و از طریق سازکاری که نگرانی مقامات آمریکا را به دنبال نداشته باشد آنها را به خروج از این کشور هدایت کند یا تعداد آنها کاهش یابد و از طرفی دیگر می‌خواهد طرفداران مقاومت اعلام کند که به مصوبه آنها در پارلمان عمل کرده است. در واقع، الکاظمی با این کار می‌خواهد چالش‌های خود را کاهش دهد. (نوریان، ۱۳۹۹: ۲۶)

از سوی دیگر در نگاهی بدبینانه، دولت مصطفی الکاظمی، ماهیتی سکولار و تکنوکرات داشته و گرایش کلان آن در امور سیاسی از نوع غربی و آمریکایی بوده و اگرچه مانند دولت‌های قبلی بر اصول بی‌طرفی و توازن در روابط خارجی تأکید دارد، اما خواهان روابط همه‌جانبه با آمریکا است. وی تا کنون هیچ موضع محکمی در باره خروج نیروهای بیگانه بر زبان و قلم خود جاری نکرده است.

دولت عراق در مذاکرات راهبردی با آمریکا، با امتحان و چالش بزرگی روبرو است. از یک‌سو، این دولت قصد حفظ حاکمیت ملی، استقلال و اقتدار دولت عراق را دارد و از سوی دیگر، اراده و توانایی ایستادگی آن در برابر خواسته‌های آمریکا محل تردید است. این مذاکرات به‌طور مستقیم با سیاست ایران در عراق مرتبط بوده و دولت عراق را در وضعیت سختی قرار داده است، به‌طوری که کسب رضایت هر دو طرف به‌صورت همزمان غیر ممکن بوده و عراق به ناچار مجبور خواهد شد خواسته‌های یک طرف را ترجیح دهد و البته این کار با میل و رغبت انجام نمی‌شود، بلکه جبر شرایط، عوامل محیطی و نیاز و ترس در برابر آنها، نتیجه را معلوم خواهد کرد.

وزن عراقی مطالبه «خروج نظامیان آمریکایی»

مطالبه «خروج نظامیان آمریکایی از عراق» در میان افکار عمومی این کشور چه جایگاهی دارد؟ به نظر می‌رسد که رسانه‌های آمریکایی و تیم رسانه‌ای دولت الکاظمی تلاش دارند در میان افکار عمومی و نخبگان سیاسی و دانشگاهی عراق اینگونه وانمود کنند که مطالبه خروج نیروهای آمریکایی از این کشور، مطالبه‌ای عراقی نیست بلکه مطالبه‌ای ایرانی و مربوط به جریان‌های

همسو با ایران می‌باشد.

در ارتباط با این موضوع باید چند مؤلفه را مورد توجه قرار داد: اینکه نوع نگاه احزاب و جریان‌های سیاسی به‌ویژه طیف شیعه عراق به موضوع «خروج نظامیان آمریکایی از این کشور» چیست؟ تا پیش از شهادت سردار سلیمانی، موضوع خروج در میان جریان‌های شیعی جدی نبوده و معمولاً حتی پس از امضای طرح‌ها و مصوبات در این خصوص، برخی نمایندگان شیعی امضای خود را پس می‌گرفتند و حتی این طرح در بهترین شرایط نیز به ۵۰ امضاء نرسید.

بررسی نوع نگاه مردم و جامعه عراق نسبت به این موضوع بسیار جدی است. همچنین باید سطوح موضوع خروج نیروهای آمریکایی از عراق نیز مشخص شود. در واقع، باید مشخص شود که موضوع خروج نیروهای آمریکایی از کدام بخش‌های عراق مطرح است و متناسب با آن سیاست‌گذاری شود.

بحث بعدی این است که نقش پارلمان در این میان چیست؟ مصوبه پارلمان در خصوص «خروج نظامیان آمریکایی» که دی ماه ۱۳۹۸ به تصویب رسید و پارلمان در این بین قرار است چه نقشی ایفاء کند؟

نوع اقدامات جریان‌های مقاومت در ضربه زدن به مقر و پایگاه‌های آمریکایی با واکنش افکار عمومی عراقی همراه است.

در عرصه اقتصادی، تقریباً گلوگاه‌های اقتصادی - مالی عراق در اختیار آمریکا بوده و آنها از پرداخت هزینه انرژی وارداتی خود از جمهوری اسلامی ایران ناتوان هستند. سؤال جدی در این خصوص این است که حضور و نفوذ آمریکا در عرصه اقتصادی - مالی و بحث فروش نفت عراق تا چه میزان است؟

بحث دیگر در مورد پر کردن خلأ ناشی از «اخراج نظامیان آمریکایی» است. اینکه کدام بازیگر یا بازیگران قرار است این خلأ را پر کنند؟ آیا قرار است چین و روسیه خلأ حضور آمریکا را در عراق پر کنند؟

سؤال دیگر این است که از ظرفیت نظامی - سیاسی جریان صدر در بحث ضد اشغالگری و ایجاد جبهه جدید تا چه اندازه می‌توان استفاده کرد؟

با این اوصاف، نظر کارشناسی بخش بزرگی از نظامیان رسمی عراق ادامه همکاری با نیروهای خارجی بوده و دولت عراق نیز تمایل به حفظ این همکاری دارد، اما موضوع وجود

رسمی پایگاه‌های نظامی دائمی آمریکایی در خاک عراق، امری نیست که بتواند در داخل عراق پذیرفته شود. آمریکا نیز تا کنون (برخلاف دوره قبل از ۱۳۹۰) در باره حفظ پایگاه دائمی نظامی سخنی به میان نمی‌آورد و تنها از ادامه همکاری‌های نظامی می‌گوید.

از طرف دیگر، گرایش کلی دولت آمریکا مبنی بر کاهش نیروهای نظامی خود در خاورمیانه است، اما این امر در حال حاضر با راهبرد مقابله با نفوذ ایران در منطقه، تعارض دارد. به نظر نمی‌رسد که آمریکا تمایلی به ترک کامل عراق داشته باشد و در اعلام راهبردهای خود با تناقض مواجه است. حضور آمریکا در شمال شرق سوریه نیز وابسته به حضور آن در عراق ارزیابی می‌شود.

از سوی دیگر، اقدامات آمریکا در جهت توسعه و تکمیل پایگاه‌های نظامی خود در اقلیم کردستان و استان انبار (عین‌الاسد) از جمله برنامه احداث باندهای جدید هواپیما نیز حاکی از هدف آن برای حضور درازمدت در عراق است. اوضاع عراق و حضور آمریکا در این کشور با دوره پیش از سال ۱۳۹۰ که در آن زمان ارتش آمریکا مجبور به خروج از عراق شد، متفاوت بوده و نمی‌توان انتظار تکرار همان وقایع را داشت. در واقع، اوضاع جدید راهکاری جدید می‌طلبد. برخی تفاوت‌های دو دوره یادشده از این قرارند:

۱. تفاوت‌ها در سیاست دولت‌های ترامپ و اوباما؛ دولت اوباما عراق را به تحریم اقتصادی تهدید نکرده و به دنبال نادیده گرفتن حاکمیت ملی عراق نبوده و سرانجام نظر دولت عراق برای خروج را پذیرفت و اجرا کرد، اما دولت ترامپ برای استقلال و حاکمیت ملی عراق احترام قائل نبوده و آن را نادیده می‌گیرد و عراق را به گرفتن غرامت و بستن حساب‌های ذخیره تهدید می‌کند.

۲. تجربه تهدید داعش و گسترش آن قبل از سال ۱۳۹۰ وجود نداشت، اما اکنون عراقی‌ها تجربه خروج آمریکا و حوادث سال ۱۳۹۳ را در حافظه خود دارند و از تکرار آن نگران هستند.

۳. بحران اقتصادی و مالی کنونی در آن دوره وجود نداشت و نیازهای اقتصادی عراق در حال حاضر افزایش یافته است.

۴. نیروهای آمریکا قبل از سال ۱۳۹۰ در شهرها و مناطق متعدد پراکنده بوده و در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار داشتند، اما اکنون با ترک پنج پایگاه و محدودسازی و تمرکز استقرار خود در اقلیم کردستان و استان الانبار، آسیب‌پذیری خود را کاهش داده‌اند.

۵. در دوره اوباما، ارتش آمریکا وارد درگیری نظامی و هوایی با گروه‌های مقاومت نشده بود، اما دولت ترامپ نشان داده است که آمادگی این سطح از درگیری‌ها را دارد. به نظر می‌رسد که بیشتر احزاب سیاسی عراق و دولت این کشور دست‌کم با ادامه همکاری نظامی در امور آموزشی، اطلاعاتی، پشتیبانی، مستشاری و فنی با آمریکا موافق هستند؛ اگرچه با دادن پایگاه دائمی نظامی مخالف باشند. به علاوه عراق هم‌اکنون شریک راهبردی سازمان ناتو بوده و با آن قرارداد همکاری امضاء کرده و در موضوع مطالبه خروج نیروهای بیگانه، موضوع حضور سازمان ناتو نیز مطرح بوده و اقتناع مسئولان سیاسی و حکومتی عراق در این باره که ارتباط با آمریکا به زیان آنهاست و باید برای اخراج نیروهای آمریکا اقدام کنند، نتیجه‌ای دور از دسترس است. از این رو، تحقق هدف راهبردی ایران مبنی بر اخراج آمریکا از عراق در کوتاه‌مدت و با سرعت، راهی غیر از برخورد سلبی و استفاده از اهرم قدرت سخت نخواهد داشت. از این رو، پیگیری این رویکرد هزینه‌بر خواهد بود.

نگرانی الکاظمی از تحریم‌های آمریکا

عراقی و فعالان شیعه روی عدم ورود به چالش‌های ناشی از تحریم‌های آمریکا به نوعی اجماع نظر دارند. به عبارتی، طیف سیاسی شیعه عراق نمی‌خواهد در درگیری احتمالی آمریکا، حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران در آینده گزینه بعدی باشد. بیان برخی مطالب در تلویزیون عراق بی سابقه است. همچنین دیدار محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران با الکاظمی در بغداد چالش برانگیز، داغ و بسیار صریح توصیف شده و سی دقیقه به طول انجامید. تعبیر الکاظمی پس از دیدار با محمدجواد ظریف اینگونه بود: «شیعیان عراق نمی‌خواهند قربانی تحریم‌های تازه باشند».

تا پیش از این هیچ یک از مقامات سیاسی عراقی در دیدار با مقامات و مسئولان ایران با ادبیاتی مشابه گفتمان و ادبیات الکاظمی سخن نگفته بودند. این طرز گفتار ناشی از اعتماد به نفس بالای الکاظمی نیست، بلکه او فردی معمولی بوده؛ اما رفتار او نشان می‌دهد که با اتکا به پشتوانه خود چنین سخن می‌گوید. وی به صراحت اعلام می‌کند که عراق نمی‌خواهد خود را درگیر چالش‌های برخورد میان آمریکا و ایران در این کشور سازد و همچنین او مرجعیت، شیعیان و مردم عراق را حامی خود می‌داند. (میرابیان، ۱۳۹۹: ۱۷)

البته موضوع مهم دیگر آن است که اراده الکاظمی برای ارتباط و حرکت در مسیر آمریکا

بسیار بالاست، اما به نظر می‌رسد مقامات آمریکا و عربستان اعتماد چندانی به وی ندارند. همچنین آینده دولت کاظمی مبهم بوده و مقامات آمریکایی و سعودی نمی‌دانند که سرنوشت این دولت چه خواهد شد. اگرچه شخص کاظمی و گرایش وی مورد رضایت آمریکا و عربستان است، اما آنها در اینکه آیا وی می‌تواند تأمین‌کننده منافع آنها در درازمدت باشد، تردید دارند. (موسوی، ۱۳۹۹: ۱۶)

ارزیابی مذاکرات کاظمی با آمریکا

مواضع کاظمی در مذاکرات با آمریکا قابل توجه است. بخشی از جریان مقاومت مدعی بودند که باید نسخه‌ای از صورتجلسات مذاکرات منتشر شود؛ اما پاسخ کاظمی و دولت وی اینگونه بود که مذاکره‌ای انجام نشده تا متن جلسات آن منتشر شود، بلکه گفت‌وگویی بین دو طرف صورت گرفته است. در واقع، کاظمی با تبدیل مذاکره به گفت‌وگو از بار حقوقی کلمات می‌کاهد. همچنین ادبیات کاظمی این است که نیروهای آمریکایی به دعوت دولت عراق در این کشور حضور دارند و از به کار بردن واژه اشغالگر برای آنها خودداری می‌کند. از این‌رو، رفتار کاظمی نشان می‌دهد که وی با زیرکی خاص خود برخی مفاهیم و تعابیر را جابجا کرده و آنها را برای فرار از پاسخ‌گویی و پذیرش مسئولیت به کار می‌گیرد.

در فضای سیاسی عراق، اگرچه جدال‌ها و تنش‌های گفت‌وگویی و عملکردی میان مکون‌های اصلی هویتی - قومی شامل عرب شیعه، عرب سنی و کرد در خصوص حضور یا خروج نیروهای نظامی آمریکا با فرازونشیب ملایم ادامه دارد، هرچند بعضی از اقوام عراقی موافق ادامه حضور نیروهای آمریکا در خاک این کشور هستند. این موضوع به کاظمی در نحوه تعامل با آمریکا و ابراز همبستگی جریان‌های سیاسی با وی در خصوص آمریکا و تهدیدهای آن در خصوص بازگشت تحریم‌ها کمک شایانی می‌کند.

نتایج یا برآیند کلی این وضعیت، در واقع «حفظ نیروهای آمریکایی با اسامی و عناوین دیگر در قالب‌های مستشار، کارشناس، نیروهای مربی آموزشی»، «ایجاد محدودیت برای نیروها و جریان‌های مقاومت» خواهد بود که پس از دور دوم مذاکرات - که با سفر کاظمی به واشنگتن انجام شد - نمودهای آن پدیدار شدند.

سفر مصطفی کاظمی به واشنگتن با پیش سفر فؤاد حسین، وزیر امور خارجه عراق به واشنگتن صورت گرفت. و دربردارنده نتایج و پیامدهای مختلفی در حوزه‌های سیاسی،



امنیتی، نظامی - تسلیحاتی، اقتصادی و فرهنگی بود. این سفر با دور دوم گفت‌وگوهای راهبردی عراق و آمریکا همراه شد.

یکی از ابعاد اصلی تأثیرگذار در سفر مصطفی الکاظمی به واشنگتن بعد سیاسی است. آمریکایی‌ها تلاش کردند با طرح این موضوعات تا حدی تصویری مثبت از خود نزد مصطفی الکاظمی و مردم عراق به‌ویژه معترضان ایجاد کنند. پرداختن به موضوع عراق عاری از فساد و ضرورت مبارزه با فساد، حمایت از برگزاری انتخابات زودهنگام (که به اولویت اصلی دولت الکاظمی و مطالبه اصلی معترضان عراقی تبدیل شده) و ضرورت انجام اصلاحات از موضوعاتی است که در این راستا ارزیابی می‌شود.

موضوع دیگری که در حوزه داخلی عراق در حوزه سیاسی مد نظر طرف آمریکایی قرار گرفت، بهبود روابط بغداد و اربیل به‌ویژه پس از تنش‌های چند ماهه اخیر در موضوع بودجه و نفت بوده است. در واقع، آمریکایی‌ها تلاش کردند به‌عنوان میانجی‌گر و همچنین برقرارکننده موازنه میان دو طرف عراقی عمل کرده و بتوانند سیاست دوستونی بغداد و اربیل را رقم بزنند.

موضوع مهار ایران یکی از موضوعاتی مورد توجه طرف آمریکایی است. در واقع، آمریکا با توجه به سیاست مهار ایران و همچنین سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ، به دنبال کاهش نفوذ ایران و از بین بردن مزیت‌های نسبی جمهوری اسلامی در عراق به‌ویژه در حوزه انرژی و برق بود. آمریکایی‌ها با طرح موضوع ایران‌هراسی تا جایی پیش رفتند که مشروعیت حضور نیروهای نظامی خود در خاک عراق را بارها در راستای مقابله با تهدیدات احتمالی ایران و حمایت از عراق در مقابل این تهدیدات بیان کردند.

یکی از دیگر ابعاد سفر مصطفی الکاظمی به واشنگتن حوزه امنیتی بوده است. مهم‌ترین موضوع در این حوزه در مورد حضور نیروهای نظامی آمریکایی در خاک عراق و همچنین مطالبه موجود مبنی بر اخراج نیروهای نظامی آمریکا از خاک عراق بود. البته مصطفی الکاظمی در دیدار خود به‌ویژه با ترامپ خواستار ارائه جدول زمان‌بندی خروج نیروهای نظامی آمریکا از خاک عراق نشد و تنها به برنامه مبنی بر خروج این نیروها طی سه سال آینده اکتفا کرد. وی که بیشتر تحت تأثیر فضای دیدارها قرار گرفته بود جدیتی در این زمینه به خرج نداد و حتی به نیاز به حضور نیروهای آمریکایی برای آموزش نیروهای عراقی اشاره و از خدمات آمریکایی‌ها در زمینه مبارزه با داعش تقدیر کرد.

موضوعاتی که در حوزه امنیتی مورد توجه مقامات آمریکا قرار گرفت موضوعات متعدد و

متنوعی بود. در واقع، آمریکایی‌ها تلاش کردند زمینه حمایت از نیروهای نظامی - امنیتی خود و عراق را استمرار بخشند. آنها به روند طبیعی خروج نیروهای خود از عراق اشاره کرده و بیان داشتند که نیروهای باقی مانده طی سه سال از عراق خارج خواهند شد. اما مهم‌ترین جنبه امنیتی این سفر فعال شدن بعد سخت‌افزاری همکاری امنیتی میان طرفین بود. در واقع، نوعی همکاری یک‌جانبه از سوی آمریکایی‌ها با عراقی‌ها که زمینه نوعی انحصار را ایجاد می‌کند، شکل گرفت. بعد سخت‌افزاری که در زمینه تجهیز و تسلیح و همچنین فروش تسلیحات نظامی به عراق تا بدان جا اهمیت یافت که ترامپ در کنفرانس خبری خود مستقیم به آن اشاره کرد.

این انحصار یادآور قرارداد خرید هواپیماهای اف ۱۶ از آمریکا بود که عراق در زمینه تحویل و آموزش خلبانان خود با چالش‌های زیادی روبرو شد. نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد تقویت بعد سخت‌افزاری است که تنها خواسته دولت مصطفی الکاظمی نیست بلکه مطالبه‌ای در درون ساختار سیاسی حاکم بر عراق در این زمینه شکل گرفته که می‌توان به درخواست کمیسیون امنیتی پارلمان عراق از الکاظمی برای خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی از آمریکا اشاره کرد.

آمریکایی‌ها با شناسایی نیازمندی عراق علاوه بر بعد نرم‌افزاری که نیاز به آن تا چند سال آینده کاهش خواهد یافت، از طریق ارائه خدمات مستشاری در قالب تجهیزات و تسلیحات در عراق به دنبال حضوری بلندمدت می‌باشند.

شاید بتوان مهم‌ترین دلیل سفر الکاظمی به واشنگتن را بعد اقتصادی آن دانست. دولت الکاظمی که با چالش بحران مالی و کسری بودجه مواجه بوده و همچنین شیوع کرونا نیز مزید بر این بحران شده است با هدف دریافت کمک از آمریکا به واشنگتن سفر کرد. در واقع، وی کوشید تا با دریافت امتیازهای اقتصادی و مالی بر دشواری‌های اقتصادی عراق در شرایط کنونی غالب آید. ایجاد بستر لازم برای حضور شرکت‌های آمریکایی در صحنه عراق و همچنین امضای قرارداد با شرکت‌های آمریکایی همچون «شیفرون» که بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار می‌باشد، بخشی از این کنش الکاظمی بوده است.

همچنین الکاظمی کوشید از تجربه و ظرفیت آمریکایی‌ها در زمینه چالش‌های دامنه‌دار دیگری که در عراق برای سالیان سال استمرار داشته است، استفاده کند. اگر وی در این زمینه موفق شود دستاوردی برای دولت وی و همچنین امتیاز مثبتی برای آمریکا در داخل عراق

محسوب می‌شود. در این زمینه می‌توان به همکاری آمریکا با عراق در زمینه اصلاحات اقتصادی و فعال کردن بخش خصوصی در اقتصاد عراق، استفاده از ظرفیت‌های بانکی آمریکا برای توزیع نظام بانکداری در عراق، حکمرانی الکترونیک و مبارزه با فساد اشاره کرد.

در کنار این موضوعات، حوزه انرژی یکی دیگر از حوزه‌های مدنظر عراق و آمریکا در خلال سفر مصطفی الکاظمی به واشنگتن بود. دعوت از شرکت‌های آمریکایی برای فعالیت در حوزه نفتی جنوب به‌ویژه ذی‌قار که انتخاب این استان نیز توسط الکاظمی سؤال‌برانگیز است، تشکیل کمیته هماهنگی مشترک انرژی، امضای قرارداد با شرکت‌های آمریکایی در زمینه انرژی پایدار و تجدیدپذیر در این زمینه ارزیابی می‌گردد.

روند تحولات بیانگر آن است که آمریکا در کنار تسلط بر حوزه برق عراق که در قالب قرارداد با جنرال الکتریک نمود یافت، در حوزه انرژی نیز طی سال‌های آینده سعی دارد رقبای خود را از صحنه عراق خارج سازد تا در زمینه اکتشاف و استخراج نفت دست برتر را به دست آورد. تسلط آمریکا بر حوزه انرژی عراق می‌تواند تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران در صحنه عراق به شمار رود، که بخشی از مزیت نسبی آن در قالب حوزه انرژی نمود می‌یابد.

مقامات آمریکایی در خلال این دیدار به مصطفی الکاظمی به‌صورت غیر مستقیم اعلام کردند که عراق باید هزینه‌های حضور و هرگونه فعالیت آمریکا در خاک این کشور را پردازد و مطمئن بودند که عراق در وضعیت کنونی گزینه دیگری جز آن نخواهد داشت. بهترین شاهد این مدعا سخنان الکاظمی در مصاحبه با شبکه العراقیه است. وی در این دیدار بیان کرد که از جنبه اقتصادی، عراق امروز نیاز به ارزیابی روابط بر اساس منافع خود دارد؛ به‌ویژه که آمریکا کشوری مهم بوده و صنایع بزرگی در زمینه نفت و انرژی و حتی آموزش داشته و عراق اکنون فرصت استفاده از شراکت با یک کشور بزرگ صنعتی را دارد. (افشون، ۱۳۹۹)

ب) چالش با ایران: به‌طور کلی، دو چالش بزرگ دولت الکاظمی یعنی وضعیت اقتصادی و تعیین تکلیف وضعیت حضور نیروهای آمریکایی در عراق به‌نوعی با جمهوری اسلامی ایران ارتباط دارد. اقدام ایران در زمینه اقتصادی و همکاری با دولت عراق در این زمینه مثبت ارزیابی می‌شود و دو کشور از این روند بهره می‌برند و نوعی بازی برد - برد بین دو کشور جریان دارد. اما چالش حضور نیروهای آمریکایی در عراق همچنان پابرجاست.

چالش بزرگ الکاظمی، آمریکا و حضور نیروهای آمریکایی در عراق است. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه صاحب نظر است، از این منظر که ایران بر خروج نیروهای

آمریکایی از عراق تأکید دارد. در واقع، حضور نیروهای نظامی خارجی در عراق در همسایگی ایران که دست به ترور فرماندهان عالی‌رتبه ایرانی زده و به تهدید جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد، چنین موضع‌گیری را از سوی ایران به دنبال دارد. همچنین برخی گروه‌های نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز بر خروج نیروهای آمریکایی از این کشور تأکید دارند. البته دولت عراق درخواست گروه‌های مقاومت نزدیک به ایران را نیز از چشم جمهوری اسلامی ایران می‌بیند.

همگان در عراق بر این امر اتفاق نظر دارند که دیگر ضرورت وجودی محض برای تداوم حضور نیروهای آمریکایی در عراق وجود ندارد و تنها بر حضور بخش مستشاری و اطلاعاتی تأکید دارند. بنابراین، مردم و دولت عراق به این درک کلی رسیده‌اند که حضور گسترده نیروهای آمریکایی در عراق ضرورتی ندارد و دولتمردان عراقی باید به کوچک‌سازی حضور نیروهای آمریکایی روی بیاورند.^۱ آنچه که موجب اختلاف نظر میان دیدگاه‌های گروه‌های مقاومت عراق و جمهوری اسلامی ایران با الکاظمی می‌شود، آن است که جمهوری اسلامی ایران بر خروج یا اخراج فوری نیروهای آمریکایی از عراق تأکید دارند، اما الکاظمی به این نکته اشاره می‌کند که نمی‌توان با این سرعت در این زمینه عمل کرد.

جمهوری اسلامی و جریان مقاومت عراق در خصوص چگونگی محدودسازی و خروج نیروهای آمریکایی از عراق تنها بر این اصل پافشاری می‌کنند که "آمریکا باید از عراق برود". در واقع، هیچ‌گونه بحث و تبادل نظری در خصوص نحوه و چگونگی خروج نیروهای آمریکایی از عراق میان جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت عراق صورت نگرفته است. همچنین جریان‌های نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز همین مطالب را بیان کردند، اما کسی پیش‌بینی نکرد که در صورت عدم خروج نیروهای آمریکایی از عراق چه باید کرد؟! در حال حاضر هم به‌نوعی تثبیت شده است که نیروهای آمریکایی از عراق - آنگونه که محور مقاومت به دنبال آن است - خارج نمی‌شوند.

الکاظمی در اظهارات خود به این نکته اشاره می‌کند که "ما دیگر به نیروهای نظامی

۱. همچنین طرف سوم یعنی آمریکا نیز تمایل خود به خروج از عراق را اعلام کرده است اما به دولت عراق گوشزد می‌کند که برای این کار شتاب‌زده عمل نکرده و باعث بی‌اعتباری و بی‌آبرویی آمریکا نشود. در واقع، آمریکا بر این نکته تأکید دارد که دولت عراق دست به اخراج نیروهای آمریکایی نزند، بلکه دولت آمریکا با اراده خود نیروهایش را از این کشور خارج می‌کند. بارها دونالد ترامپ به این نکته اشاره کرده که اشتباه بزرگ آمریکا اعزام این تعداد از نیروها به عراق بوده و اکنون منفعت خود را در خروج این نیروها از این کشور می‌داند.



[آمریکایی] نیازی نداریم، اما می‌گویند که ما به توافقات و شراکت امنیتی طولانی‌مدت نیاز داریم و نوع نگاه ما به نیروهای آمریکایی به‌عنوان نیروی رزمی نیست، بلکه نیاز به آنها در حوزه آموزشی، تسلیحاتی و فن‌آوری در طولانی‌مدت است.^۱ این سخن نشان از برنامه‌ریزی طولانی‌مدت الکاظمی در راستای پیاده‌سازی منویات و تدابیر دولت آمریکا و شخص ترامپ دارد. الکاظمی در پرونده خروج نیروهای آمریکایی نه تنها هیچ اقدامی انجام نداده، بلکه موضوع خرید زمان را اکنون به‌عنوان یک تسهیل‌کننده برای مقامات آمریکا اجرا می‌کند. در واقع، الکاظمی با این بهانه که نیروهای آمریکایی به دنبال خروج از عراق هستند به نیروهای مقاومت اعلام می‌کند که عملیاتی انجام ندهند.

همچنین وی اعلام می‌کند که نوع ادامه حضور نیروهای آمریکایی از نوع نظامی نبوده و بیشتر در زمینه آموزشی، تسلیحاتی و فن‌آوری می‌باشد. در واقع، الکاظمی با این اقدام به دنبال ایجاد انشقاق در میان گروه‌های مقاومت است تا با دستکاری ادراک و مدیریت افکار نوک حملات را از سمت نیروهای آمریکایی خارج کرده و دودستگی و شکاف در بین گروه‌های مقاومت ایجاد کند تا این گروه‌ها علیه نیروهای آمریکایی دست به سلاح نبرند. به هر حال تا کنون عملکرد الکاظمی در پرونده خروج نیروهای آمریکایی منفی بوده است. (اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۲۷)

به‌علاوه بر سر تعداد نیروهای آمریکایی، جغرافیای حضور و مأموریت نیروهای باقیمانده آمریکایی در عراق بحث و اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال، نیروهای مستشاری به پدافند و تجهیزات نیاز ندارند. همچنین نیروهای اطلاعاتی برای تداوم حضور در عراق به سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای خاص نیاز دارند، اما نباید کل فضای کشور عراق را در اختیار بگیرند. بنابراین، از آنجایی که اجماع نظر بر سر چگونگی خروج نیروهای آمریکایی از عراق بین جمهوری اسلامی ایران و جریان مقاومت عراق ایجاد نشده است، آنها نمی‌توانند پیش‌بینی کنند که نیروهای آمریکایی به‌طور کامل از این کشور نمی‌روند. (نوریان، ۱۳۹۹: ۳۵)

ارزیابی رویکرد ایران در اخراج نظامی آمریکا

به نظر می‌رسد اجرای هدف‌گذاری ما در بحث خروج، با چالش‌هایی مواجه می‌شود. اگر این سیاست عراق را در شرایط دشوار انتخاب بین ایران و آمریکا قرار می‌دهد.^۱ واقعیات

۱. البته این موضوع را دولت ترامپ نیز به نحوی دنبال می‌کند و عراق را مجبور به انتخاب بین ایران و آمریکا کرده است.

صحنه عراق نشان می‌دهد که در حالت اجبار انتخاب بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، عراقی‌ها را دو پاره می‌کند.

تفاوت دیدگاه مسئولان سفر کاظمی

در دیدارها و گفت‌وگوهای صورت گرفته میان برخی مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی ایران با کاظمی و هیأت همراه وی، در سفر روز سه شنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۹۹، ادبیات یکسانی وجود نداشت. در این دیدار، نهادهای دخیل در مدیریت، محور مقاومت «اخراج نظامیان آمریکایی» را در شرایط فعلی اولویت دانستند در حالی که مقامات دیگر روی مسایل اقتصادی متمرکز بود، بنابراین سطح و ابعاد گفتمان آن در مذاکرات و گفت‌وگوها با کاظمی و هیأت همراه حول این محور می‌چرخد. در همین چارچوب، سطح و بعد گفتمان مقامات و مسئولان دولتی در مواجهه با کاظمی، بیش از همه بر مدار مباحث اقتصادی - تجاری بوده است.

کاظمی در دیدار با جمهوری اسلامی ایران روی: ۱. کاستن از فشار بر روی موضوع خروج نیروهای آمریکا و به حال خود رها کردن آن جهت طی روند طبیعی و عادی خود؛ ۲. نظارت و کنترل بر برخی جریان‌ها و گروه‌های وابسته یا همسو با محور مقاومت در عراق به‌ویژه کتائب حزب الله؛ ۳. توقف برخی عملیات‌ها در عراق؛ ۴. کمک به دولت عراق برای کسب حمایت اکثریت جریان‌های شیعه؛ ۵. بازگذاشتن دست جمهوری اسلامی ایران برای گسترش روابط تجاری؛ باید اذعان کرد که کاظمی در این سفر با درخواست این موارد، در واقع به دنبال عبور از برخی بحران‌های عراق و تأکید بر «سیاست بی طرفی» بوده و از طرف دیگر وی با درک خواسته‌های عمده جمهوری اسلامی ایران مبنی بر «اخراج نظامیان آمریکایی از عراق» و «حفظ محوریت حاکمیت شیعیان در عراق» به دنبال کسب فرصت و جلب رضایت جریان‌های سیاسی شیعی از خود به واسطه نقش جمهوری اسلامی ایران بود. این نکته روشن است که در دیدارها و گفت‌وگوهای انجام شده میان امام خامنه‌ای و کاظمی به خوبی و با ظرافت خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران برای طرف عراقی ترسیم شد؛ خطوطی که در قالب دو مطالبه کلی یادشده نیز می‌گنجد و به نظر می‌رسد در مذاکرات میان کاظمی و برخی مسئولان جمهوری اسلامی ایران پیش از دیدار با حضرت آقا، کاظمی در این زمینه مطالبات و خواسته‌هایی از جمهوری اسلامی ایران داشته است

که در این دیدار ویژه خطوط قرمز برای ایشان با ظرافت ترسیم و تفهیم شد.

چالش‌های کاظمی برای جمهوری اسلامی ایران

در واقع، موضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به مصطفی کاظمی در مقایسه با موضع آن نسبت به عادل عبدالمهدی یا نوری مالکی تفاوت عمده‌ای ندارد. در گذشته پیوندها و ارتباطات قوی میان جمهوری اسلامی ایران و نخست‌وزیران عراق وجود داشته و ایران سایر گروه‌ها را برای کمک به نخست‌وزیر بسیج می‌کردند، این رویه در مورد حیدر العبادی و همچنین کاظمی نیز به‌گونه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران همگام با گروه‌های تأییدکننده این شخصیت‌ها پیش رفته است. بنابراین، اکنون هم بقای مصطفی کاظمی در قدرت از طریق همکاری شیعیان و جمهوری اسلامی ایران رقم می‌خورد.

ویژگی‌های شخصی و رفتاری کاظمی نشان می‌دهد آمریکا و عربستان سعودی در جهت تقویت وی گام بردارند، او هم گام‌های بیشتری به سمت آنان برمی‌دارد. البته براساس تجربه، آمریکا و عربستان سعودی کمک‌چندانی به کاظمی به‌ویژه در زمینه تأمین برق، بودجه، سرمایه‌گذاری، بهبود تأمین و ارائه خدمات و مبارزه با تروریسم نخواهند کرد. (موسوی، ۱۳۹۹: ۳۲)

در خصوص چالش‌های دولت کاظمی با ایران باید به مواضع مسئولان وزارت برق عراق توجه کرد که اخیراً اعلام کرد ۷۵ درصد وابستگی برق عراق به جمهوری اسلامی ایران کاهش یافته است. مفهوم این خبر می‌تواند آن باشد که ضعف جمهوری اسلامی ایران در انجام توافقات می‌تواند به موقعیت کنونی در عراق آسیب بزند هر چند این کاهش ممکن است بر مبنای سیاست متنوع کردن سبد انرژی عراق از سوی کاظمی باشد. مقامات آمریکایی نیز مهلت‌های ۹۰ روزه و ۴۵ روزه بر مبنای سیاست کاهش وابستگی عراق به ایران، برای عراقی‌ها در نظر گرفته و این کشور را به ایجاد نوعی خودکفایی در حوزه انرژی ترغیب کرده‌اند.

به دنبال اعلام کاهش وابستگی عراق به برق ایران، وزیر برنامه‌ریزی این کشور گفت ۱۰ درصد واردات کالا را کاهش داده و حاصل آن را در بخش تولید ملی سرمایه‌گذاری می‌کنیم. کاهش وابستگی به ایران می‌تواند از حوزه انرژی در سایر بخش‌ها نیز دنبال شود و به سمت کاهش مزیت‌های نسبی جمهوری اسلامی ایران در همه حوزه‌ها پیش برود.

در این میان، نکته مهم در مورد نوع مواجهه جمهوری اسلامی ایران با این وضعیت است. با توجه به مسئله روابط ایران و گروه‌های شیعی با کاظمی باید به گونه‌ای تنظیم شود

که متضمن بیم و امید وی باشد. هرچند سایر رفتارهای او بیانگر آن است که خود را به شدت نیازمند حمایت ایران و رهبران شیعی می‌داند. نکته مهم در این میان تمرکز سیاست ایران است. شواهد زیادی بیانگر آن است که بعضی از دستگاه‌های جمهوری اسلامی ایران، سیاست منفردانه‌ای دنبال می‌کنند که این می‌تواند شرایط را برای ما سخت‌تر کند.

فرصت‌های کاظمی برای جمهوری اسلامی ایران

الکاظمی و گفتمان منتسب به وی نمی‌تواند تهدید بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران باشد و باید تا حدی این دیدگاه معتدل شود. با مقایسه وضعیت کاظمی و رفتار حیدر العبادی نسبت به ایران می‌توان متوجه برخی تفاوت‌ها شد. حیدر العبادی در دوره خود به بهانه نقض حریم هوایی عراق از سوی ایران به سازمان ملل نامه‌نگاری کرد. اما کاظمی تا کنون موضع‌گیری رسمی علیه ایران نداشته است. حیدر العبادی در دوران خود با موضوع داعش درگیر بود، وگرنه به مراتب رفتار بدتری در مقایسه با کاظمی نسبت به جمهوری اسلامی ایران در پیش می‌گرفت. همچنین العبادی در زمان تحریم‌ها علیه ایران گفته بود که ما به جای دلار با شما با یورو کار می‌کنیم، اما به همین وعده خود پایبند نبود و بار دیگر وعده داد که با دینار کار می‌کنند که این هم عملی نشد. در واقع، باید شخصیت‌ها و افراد را در موقعیت زمانی و مکانی خودشان ارزیابی کرد. اکنون نگرانی‌هایی نسبت به مصطفی کاظمی در جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است (کارشناس اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹) که با واقعیات تناسب ندارد.

با در نظر گرفتن ابعاد گوناگونی، به نظر می‌رسد که کاظمی حتی در مقایسه با بسیاری از گزینه‌های دیگر برای جمهوری اسلامی ایران مناسب‌تر است. دلیل این اظهار نظر آن است که از آنجایی که او منسوب به جمهوری اسلامی ایران نیست و خطاهای او دیگر به نام ایران نوشته نمی‌شود. اکنون به مدت چند ماه است که فشارها از روی جمهوری اسلامی ایران برداشته شده است، زیرا کسی نمی‌تواند کاظمی و اقدامات او را به ایران منتسب کند و نمی‌تواند بگویند ایران در حال وخیم‌تر کردن اوضاع عراق است یا در بودجه دستکاری می‌کند. بر این اساس، بهترین گزینه برای ایران در شرایط نابسامان کنونی عراق، کاظمی است.

همچنین کاظمی گرفتاری‌ها و چالش‌های بسیاری دارد که دیگران نمی‌توانند آن را حل کنند. مسأله تأمین برق، نظافت خیابان‌ها، اشتغال، بودجه و سرمایه همچنان معضلی برای





دولت الکاظمی خواهد بود، زیرا منابع نفتی این دولت بین سه گروه آمریکا،^۱ کویت^۲ و احزاب تقسیم شده است. آمریکا از ابتدای آزادسازی عراق به این بهانه یک سوم نفت این کشور را در اختیار خود دارد، اما این موضوع رسانه‌ای نشده است. هیچ یک از احزاب و گروه‌های عراقی توانایی بیان این موضوع را در سطح عمومی و علنی ندارند.^۳

آینده اختلافات اربیل - بغداد

الکاظمی به دنبال آن است تا کردها را با خود همراه نماید تا در پارلمان بتواند از شکل‌گیری ائتلاف کردی - شیعی جلوگیری کرده و هدف خود را دنبال کند. تمایلاتی نسبت به کردها در الکاظمی دیده می‌شود، اما این تمایلات بر مبنای علاقه شخصی نبوده و بیشتر ناشی از راهبرد وی در این زمینه است. امتیازاتی که از سوی عادل عبدالمهدی به کردها داده شد بسیار زیاد و قابل توجه بود و یکی از دلایل اعتراضات سایر بخش‌های عربی علیه عبدالمهدی معطوف به اعطای امتیازات بسیار زیاد به کردها بود. الکاظمی این امتیازات را برخلاف خواسته احزاب، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی افزایش داده است. همچنین الکاظمی حقوق معوقه کارمندان کرد اقلیم را پرداخت کرده است. این در حالی است که درخواست امتیاز از سوی کرد هیچ‌گاه تمام‌شدنی نیست. هر اندازه که به کردها امتیاز داده شود باز هم خود را طلبکار می‌دانند. در این میان «برهم صالح» - در دو جریان اتحادیه میهنی و حزب دمکرات پایگاهی ندارد - درواگذاری این امتیازات به کردها از سوی دولت برای شکل‌گیری جریان جدید کردی حول محور خود نقش اساسی دارد. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۲۷)

در واقع، الکاظمی به همه خواسته‌های اربیل پاسخ داده است. موضوع بودجه، مرزها و کرکوک سه موضوع اصلی بین بغداد و اربیل بوده که مشکلات مربوط به آنها حل شده است. اکنون پیشمرگه در کرکوک مستقر شده و مرزها هم در اختیار کردها قرار دارد و بودجه هم به آنها تعلق گرفته است. به‌رغم اینکه دولت الکاظمی با مشکلات مالی مواجه بوده و حقوق بسیاری از کارکنان خود را قطع کرده، اما مبالغ قابل توجهی را به کردها پرداخت کرده است. اکنون کردها در عراق بهترین شرایط را دارند، زیرا بودجه آنها تأمین می‌شود و از

۱. پول نفت به صندوقی در آمریکا واریز می‌شود و آمریکایی‌ها بر آن کنترل دارند و هر از گاهی مقامات عراقی از بابت اعمال تحریم‌های آمریکا نگران می‌شوند.

۲. بخشی از پول فروش نفت به‌عنوان خسارت‌های وارده به کویت پرداخت می‌شود.

۳. سید امیر موسوی، نحوه مواجهه دولت الکاظمی با تحولات عراق، مصاحبه با کارگروه عراق، ۱۳۹۹/۶/۱۵

استقلال برخوردار هستند. (موسوی، ۱۳۹۹: ۳۸)

موضوع حقوق کارمندان اقلیم هم مطرح است. اقلیم با جمعیت ۵ میلیون نفری خود بیش از دو میلیون و پانصد هزار نفر حقوق‌بگیر و مستمری‌بگیر دارد. یکی از اختلافات حکومت مرکزی با حکومت اقلیم کردستان در دوره‌های گذشته بر سر حقوق کارمندان و مستمری‌بگیران بود. حکومت اقلیم همواره از اینکه لیست حقوق‌بگیران و مستمری‌بگیران خود را به‌طور متمرکز به حکومت مرکزی ارائه کند، سر باز زده است. در واقع، اقلیم مدعی آن است که باید از حکومت مرکزی پول و بودجه برای حقوق کارمندان خود دریافت کرده و خود بین کارمندان و مستمری‌بگیران توزیع نماید.

اگر اقدامات الکاظمی در راستای مبارزه با فساد و قطع حقوق کسانی است که دو یا سه حقوق دریافت می‌کنند، باید گفت که بیش از ۳۰ تا ۴۰ درصد افرادی که در اقلیم کردستان حقوق و مستمری دریافت می‌کنند افرادی جعلی و وهمی هستند. این در حالیست که حکومت اقلیم کردستان کمترین میزان همکاری را با حکومت مرکزی در دوران عادل و الکاظمی داشته است، اما الکاظمی در دو مرتبه مبلغ ۴۰۰ و ۳۲۰ میلیارد دینار (در مجموع ۷۲۰ میلیارد دینار) برای حکومت اقلیم ارسال کرده است. (مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۹: ۴۲)

منابع و مأخذ

- کارشناس مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور، عملکرد الکاظمی و نحوه مواجهه وی با تحولات عراق، مصاحبه کارگروه عراق، ۱۳۹۹/۶/۱۰.
- موسوی، سید امیر، نحوه مواجهه دولت الکاظمی با تحولات عراق، مصاحبه کارگروه عراق، ۱۳۹۹/۶/۱۵.
- میرابیان، رضا، صورتجلسه ۱ و ۲ کارگروه عراق، ۱۳۹۹/۵/۶.
- نوریان، عباس، صورتجلسه ۱ و ۲ کارگروه عراق، ۱۳۹۹/۵/۶.
- نوریان، عباس، نحوه مواجهه دولت الکاظمی با تحولات عراق، مصاحبه کارگروه عراق، ۱۳۹۹/۶/۱۱.
- نیک‌منش، رضا، تأثیر رویکردها و چالش‌های دولت الکاظمی بر روابط عراق و آمریکا، گزارش ویژه شماره ۱۰۷، ۱۳۹۹/۳/۱۸.

